



تفاوت های ذهنی، روانی و اجتماعی مردان و زنان و لزوم توجه به آنها برای همسرگزینی و زندگی مشترک مطلوب مجید صبوری فر

چکیده:

ازدواج را می توان اثرگذارترین رخداد در زندگی زن و مرد دانست؛ رخدادی که اگر به درستی و از روی آگاهی صورت پذیرد، مایه رشد و تعالی زن و شوهر است. امروزه کمتر کسی وجود دارد که بتواند ادعا کند زن و مرد هیچ تفاوتی باهم ندارند و کاملاً شبیه هم هستند. زن و مردها از لحاظ فیزیولوژیک، شناختی و شخصیتی تفاوت هایی دارند که برای شناخت بهترشان لازم است آنها را بدانیم. دانستن این تفاوت ها باعث می شود در انتخاب همسر مناسب، موفق تر عمل کنیم. زن و شوهری خواهند توانست رفتاری درست و معقول با یکدیگر داشته باشند که ویژگی های جنسیتی و فردی یکدیگر را به خوبی بشناسند، و نیز رفتار خویش را بر اساس این ویژگی ها تنظیم کنند. این پژوهش بر اساس روش کتابخانه ای، تدوین گشته و با استفاده از بهترین منابع تحقیقاتی حوزه خانواده، به شرح و بررسی تفاوت های زن و مرد در جهت همسرگزینی مطلوب و زندگی مشترک سالم پرداخته است. همچنین در انتها به علل افزایش کم توجهی به مقوله تفاوت های زنان و مردان نیز پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: تفاوت، تفاهم، ازدواج، همسر، نقاط ضعف، مغز، همسرگزینی



مقدمه

آگاهی از قوانین ازدواج، پیش از انجام آن، برای هرکدام از زن و مرد ضروری و الزامی است. بی گمان زن و شوهری که دغدغه پایایی روابط مشترک خویش را در سر دارند، بایسته است از عوامل و ساز و کارهایی برای تحقق این مهم، برخوردار باشند. همیشه مشکل از آنجا آغاز می شود که هرکدام از زن و شوهر، طرف مقابل خود را مانند خویشتن می انگارند و در نتیجه، با او رفتاری را در پیش می گیرند که خود می خواهد و می پسندد، نه رفتاری که ویژگی های جنسیتی و فردی طرف مقابل می طلبد. به عبارت دیگر، لازمه شناخت ویژگی های جنسیتی و فردی طرف مقابل این است که مرد، همسر خود را زن ببیند، و زن، همسر خود را مرد. آن گاه است که مرد با همسر خود بر اساس عواطف، احساسات و لطافت های زنانه او رفتار می کند، و زن نیز با همسر خود، همسو با ویژگی های جسمی و روانی مردانه اش رفتار می نماید.

بزرگی مثل ارسطو معتقد است که تفاوت زن و مرد، تنها از جنبه «کمی» نیست، بلکه از جنبه «کیفی» نیز متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت به عهده هر یک از آنها گذاشته و حقوقی که برای آنها خواسته، در قسمت های زیادی با هم تفاوت دارد. به عقیده ارسطو، فضیلت های اخلاقی زن و مرد نیز در بسیاری از قسمت ها متفاوت است؛ یک خلق و خوی می تواند برای مرد، فضیلت شمرده شود و برای زن، فضیلت نباشد؛ برعکس، یک خلق و خوی دیگر ممکن است برای زن فضیلت باشد و برای مرد فضیلت شمرده نشود.

این سخنانی که از ارسطو گفته شد، مربوط به دنیای قدیم است؛ اکنون باید دید دنیای جدید چه می گوید؟ دنیای جدید تنها به حدس و تخمین متوسل نمی شود، سروکارش با مشاهده و آزمایش است، با آمار و ارقام است، با مطالعات عینی است. در دنیای جدید در پرتو مطالعات عمیق پزشکی، روانی و اجتماعی، تفاوت های بیشتر و فراوان تری میان زن و مرد کشف شده است که در دنیای قدیم به هیچ وجه به آنها پی نبرده بودند. مردم دنیای قدیم، زن و مرد را که ارزیابی می کردند، تنها از این جهت بود که یکی درشت اندام تر است و دیگری کوچک تر؛ یکی خشن تر است و دیگری ظریف تر؛ یکی کلفت آوازتر است و دیگری نازک آوازتر. حداکثر این تفاوت آنها را از لحاظ دوره بلوغ در نظر می گرفتند و یا تفاوت آنها را از لحاظ عقل و احساسات به حساب می آوردند؛ مرد را مظهر عقل و زن را مظهر مهر و عاطفه می خواندند. اما امروز علاوه بر اینها، قسمت های زیاد دیگری کشف شده است؛ معلوم شده است دنیای زن و مرد در بسیاری از قسمت ها با هم متفاوت است. از مجموع آنچه تاکنون در این باره تحقیق شده است، استفاده می شود که بین زن و مرد در سه سطح «جسمی»، «روانی» و «احساسات» تفاوت های چشم گیری وجود دارد. پژوهش پیش رو، به تفاوت های مهم فردی، روانی، اجتماعی، عاطفی و .. زنان و مردان می پردازد و اهمیت شناخت این تفاوت ها در همسرگزینی مطلوب را شرح و بسط می دهد.

بیان مسئله

در گذشته های دور، شناخت از تفاوت های مرد و زن، تنها به خصوصیات جسمی محدود می شد. توجه به خصوصیات روانی و رفتاری و غیره بسیار اندک بود. با گذر زمان، وقتی انسان موفق به ساخت دستگاه های پیشرفته اندازه گیری در حوزه پزشکی رسید، متوجه شد ساختار مغز زنان و مردان باهم متفاوت است. همچنین انسان پی به موضوعی به نام آرایش کروموزومی برد. تفاوت در کروموزوم های دو جنس، در برخی تفاوت هایشان موثر بود. در ادامه انسان به موضوع هورمون های زنانه و مردانه هم پی برد. این هورمون ها منشأ بسیاری از تفاوت ها بودند. به کمک داده های بی شمار و یافته های پژوهشی متعدد، طی سالیان، به نقطه کنونی رسیدیم. نقطه ای که برای شرح تفاوت های زن و مرد می توان هزاران کتاب نوشت. همگان متوجه شدند لازمه داشتن زندگی بهتر و داشتن تفاهم، درک تفاوت هاست. بدون اطلاع از تفاوت های موجود، نمی توان زندگی مطلوبی ایجاد کرد. مرد یا زن باید بداند که همسرش، از نظر فیزیولوژی و روانی چه تفاوت هایی با او دارد.

اختلافات زندگی مشترک، از جایی شروع می شود که زن و مرد قادر به درک رفتار طرف مقابل نیستند. چرا که هرگز با این تفاوت ها آشنا نبوده اند. برای مثال پرحرفی زنان، یک نیاز برای رسیدن به آرامش و تخلیه بار روانی آن هاست. اگر مردی با این ویژگی و شاخصه رفتاری آشنا نباشد، همسرش را به پرحرفی متهم می کند و ترجیح می دهد کاری کند که او کمتر سخن بگوید. مطالعه تفاوت ها، مسیر رسیدن به تفاهم را هموار می کند. ضرورت پرداختن به این موضوع، همیشه الویت دارد و این پژوهش بر اساس همین اهمیت، حول چنین مسئله ای صحبت می کند.

اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی تفاوت های جنس مونث و مذکر از منظر روانشناسی و تاثیر اطلاع از این تفاوت ها برای داشتن یک زندگی مشترک مطلوب می باشد.



سوالات پژوهش

- تفاوت های زن و مرد در حوزه روانشناسی چیست؟
- تاثیر درک تفاوت های زن و مرد، چه تاثیری در رسیدن به تفاهم دارد؟
- اهمیت دانستن تفاوت های زن و مرد چیست؟
- دانستن تفاوت های زنان و مردان چه تاثیری برای همسرگزینی دارد؟

روش شناسی

نگارش این پژوهش بر اساس روش کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی است. عمده محتوا، بر اساس مطالعه تفاوت ها در منابع به روز علمی و دینی نگاشته شده اند.

تاثیر شناخت تفاوت ها بر همسرگزینی و زندگی مشترک

خداوند در خلقت زن و مرد چه از لحاظ جسمی و چه روحی و روانی، تفاوت هایی قائل شده است. فلسفه این تفاوت ها در این است که پیوند میان زن و مرد را محکم می کند. آگاهی از وجود تفاوت های فردی بین انسان به اندازه خلقت انسان قدمت دارد. درک تفاوت های روانی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. یکی از مقوله هایی که با اتکا به آن می توانید کاری کنید که طرف مقابل شما را بیشتر دوست داشته باشد نیز بهره گیری از همین مطلب است. با اتکا به این مهم می توانید رابطه ای هماهنگ و ادامه دار را به وجود آورید. این امر همچنین به تمام افراد کمک می کند تا متوجه شوند که چرا خانم ها و آقایون به طور متفاوت تصور کرده و مطابق آن رفتار می نمایند. به عبارت دیگر اگر ما بتوانیم خودمان را جای تک افراد دیگر بگذاریم، آن وقت مشکلات و کشمش ها به طور قابل ملاحظه ای کاهش پیدا می کند.

سوزان کویلیان درباره تفاوت زن و مرد می گوید: «وقتی همسران از تفاوت های همدیگر آگاهی داشته باشند، به جای اینکه از تفاوت ها احساس تنفر کنند، به آن بها می دهند. همین تفاوت هاست که باعث سازگاری شما می شود. اگر زن و مرد هر دو به طور مطلق شبیه هم بودند آسیب پذیری آنان نیز به شدت شبیه یکدیگر بود. بنابراین، وقتی با مشکلات روبه رو می شدند، سعی می کردند از یک روش به مقابله با آن برخیزند و از پیدا کردن راه حل مشکل باز می ماندند» (کویلیان، سوزان، ۱۳۷۸)

آگاهی از تفاوت ها و توجه به آن باعث می شود زن و مرد نه تنها در تأمین خواسته های یکدیگر موفق تر باشند، بلکه موجب می گردد در تأمین خواسته های خود نیز به توفیق بیشتر و بهتری دست یابند. وقتی زن بداند تحریک پذیری مرد در برابر محرک های بصری بسیار بیشتر از سایر محرکات است و مرد بداند زن در برابر تحركات لمسی حساسیت بیشتری دارد، بهتر می تواند خواسته های خود و همسرش را تأمین کند. اگر مرد و زن پیش از ازدواج و بعد از آن، با این تفاوت ها آشنا باشند، بسیاری از مشکلات رایج به وجود نمی آیند. نه تنها همسرگزینی مطلوبی شکل می گیرد بلکه زندگی مشترک سالمی نیز به وجود می آید. انتظارات برخاسته از فقدان تفاوت میان زن و مرد باعث می شود از مردها با تعابیری همچون «دشمن» و «متجاوز» یاد شود، غافل از اینکه با این تصویر گاهی از زنان نیز با تعابیری همچون «عقب مانده» و «بی عرضه» یاد می شود که هر دو رویکرد نتیجه بی توجهی به تفاوت هاست. زن و شوهر در زندگی مشترک باید زمینه های قضاوت منفی را بسوزانند. در همسرگزینی، باید به تفاوت ها توجه شود. چرا که عدم اطلاع از آنها، موجب می شود در انتخاب دچار مشکل شویم. به دلایل مختلفی، در کشور ما، پسران و دختران تقریباً هیچ شناختی از یکدیگر تا قبل از ازدواج ندارند. سرانه مطالعه کتاب بسیار پایین است. کتاب تقریباً از سبد نیازهای اساسی خانواده حذف شده است. آموزش های آنچنان پرثمری هم در طول دوران تحصیل به دانش آموزان داده نمی شود. لذا قشر جوان جامعه هرگز قادر نیستند با تفاوت های دو جنس آشنا شوند مگر اینکه کسی به تنهایی به دنبال کشف تفاوت ها از طریق تحقیق و مطالعه برود. (از آن جا که نگارنده خود سال ها در مدارس تدریس کرده است می داند که امروزه بسیاری از بحران های نسل جوان برخاسته از همین عدم شناخت دو جنس است. ناشی از عدم اطلاع از تفاوت های جسمی و روحی یکدیگر است. برای مثال میل به خودآرایی یکی از بزرگ ترین لذت های یک دختر است. از آن سو پسری که با این ویژگی و تفاوت آشنا نیست، تصور می کند آرایش آن دختر، چراغ سبزی برای برقراری ارتباط است. این پیشفرض ذهنی را دارد که چنین دخترانی، صرفاً برای ارتباط با جنس مخالف دست به آرایش زده اند. درحالی که این آرایش برخاسته از تفاوتی است که در دختر وجود دارد و لزوماً با هدف ارتباط گیری انجام نمی شود. این تفاوت ها اگر آموزش داده می شد جلوی بسیاری از افکار نادرست را می گرفت)

ریاست ستاد ملی جمعیت در گفتگویی با خبرگزاری مهر در بهار ۱۴۰۲ در این رابطه عنوان کرده بود که: «از هر سه ازدواج یک ازدواج به طلاق می انجامد و ۴۰ درصد طلاق ها خانواده هایی هستند که حداقل یک فرزند دارند که بسیار ناراحت کننده است. عدم درک زن و مرد از تفاوت های یکدیگر



را اصلی ترین عامل برای اختلافات خانوادگی است. به عنوان یک کارشناس خانواده که سی سال در این حوزه فعالیت می کند می گویم که زن و مرد از تفاوت های همدیگر هیچ اطلاعی ندارند و اگر در آموزش ها به این حوزه تمرکز کافی داشته باشیم بسیاری از مشکلات حل می شوند. مراکز انتخاب همسر باید در همان زمان انتخاب همسر یعنی قبل از ازدواج این آموزش ها را به دختر و پسر ارائه دهند چون پس از ازدواج تأثیری نخواهد داشت.» (خبرگزاری مهر، ۲۱ خرداد ۱۴۰۲، کد خبر ۵۸۰۶۹۷۹)

فرهنگ غربی، نادیده انگاری تفاوت های زن و مرد

اوضاع آشفته فرهنگ غربی نشان می دهد که چگونه به زن و تفاوت های جسمی و روانی او، بی اعتنایی شد. با شروع انقلاب صنعتی، زن همانند مرد در کارخانه ها کار کرد. درحالی که خلقت او با مرد تفاوت داشت و ازهر نظر با مرد برابر نبود. جنس زن، خاصه در غرب، سال های زیادی برای حشش به عنوان یک انسان جنگید. او می خواست به همگان اثبات نماید که او نیز یک انسان است و از حقوق بقیه انسان ها برخوردار باشد. او به این حشش رسید اما به این بها که زن بودنش و حقوق متعلق به زنانگی اش زیر سؤال رفت. جامعه مردان غربی پذیرفتند که او به جرگه انسان ها پیوندد ولی به شرطی که به نام آزادی و تساوی، از زن بودنش چشم پوشی کند. زن غربی نمی دانست که با این اتفاق، هم زنانگی و هم انسانیتش را از دست خواهد داد و با خالی شدن از هویتش، راهی جز افسردگی و خودکشی ندارد. شهید مطهری می نویسد: «این مسئله، یک مسئله تازه که در قرن ما مطرح شده باشد نیست، حداقل دو هزار و چهارصد سال سابقه دارد. زیرا این مسئله بهمین صورت در کتاب جمهوریت افلاطون مطرح است. افلاطون با کمال صراحت مدعی است که زنان و مردان دارای استعداد های مشابهی هستند و زنان می توانند همان وظائفی را عهده دار شوند که مردان عهده دار می شوند و از همان حقوقی بهره مند گردند که مردان بهره مند می گردند. هسته تمام افکار جدیدی که در قرن بیستم در مورد زن پیدا شده و حتی آن قسمت از افکار که از نظر مردم قرن بیستم نیز افراطی و غیرقابل قبول به نظر می رسد، در افکار افلاطون پیدا می شود. و بهمین جهت موجب اعجاب ناظران نسبت به این مرد که پدر فلسفه نامیده می شود گردیده است. افلاطون در رساله جمهوریت کتاب پنجم حتی درباره اصلاح نژاد و بهبود نسل و محروم کردن بعضی از زنان و مردان از تناسل و اختصاص دادن تناسل به افرادی که از خصائص عالیتتری برخوردارند، درباره تربیت فرزندان در خارج از محیط خانواده، درباره اختصاص دادن تناسل به سنین معینی از عمر زن و مرد که سنین قوت و جوشش نیروی حیاتی آنها بشمار می رود بحث کرده است افلاطون معتقد است همانطوری که به مردان تعلیمات جنگی داده می شود به زنان نیز باید داده شود، همانطوری که مردان در مسابقات ورزشی شرکت می کنند.» (مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶)

۱- بررسی ویژگی های زنان و مردان از نگاه روانشناسی

تفاوت در نوع تفکر و رفتار است که سبب می شود درک کردن جنس مخالف سخت تر شود و گاهی این نشاختن ها خود به خود سبب سوء تفاهم ها و اختلافاتی بس عمیق می شود. شاید برای شما سوال باشد که این همه تفاوت بین زن و مرد از کجا سرچشمه می گیرد؟ می توان دلایل فرهنگی زیادی را برشمرد که بر رفتارها و هنجارها اثرگذار بوده است، اما بررسی ها نشان می دهد که بخش قابل توجهی از این تفاوت ها به عملکرد مغز انسان برمی گردد. مغز زنان و مردان از نظر اندازه ساختار و حساسیت، متفاوت است. تفاوت های مردان و زنان، در شاخه های گوناگونی قابل مطالعه اند. برای مثال پسران در پردازش اطلاعات فضایی و ریاضیات، بویژه در هندسه تجسمی موفق تر از دختران هستند و دختران در فراگیری زو امور ظریف و هنری، توانمندتر از پسران می باشند. (روژه، پیره، ۱۳۷۷) همچنین مردان در دریافت و شناخت مفاهیم انتزاعی و کلمات مجرد برتری محسوس بر دختران دارند. (رحمتی، محمد صادق، ۱۳۷۱) توجه به تفاوت ها باعث می شود در برخورد با همسر، سیاست های بهتری اتخاذ کنیم. در ادامه به بررسی این تفاوت ها به خصوص تفاوت های حیطة روانی می پردازیم.

۱-۱- تفاوت های ذهنی-روانی

هیچ وقت به این فکر کرده اید که خانم ها چگونه می توانند در هنگام آشپزی کردن سریال مورد علاقه شان را با جزئیات ببینند و هم زمان با تلفن هم صحبت کنند؟! همین تفاوت زن و مرد از نظر بیولوژیکی و اتصالات ضخیم و دقیق سبب می شود هنگامی که زنان در حال انجام دادن کاری هستند فعالیت رشته های عصبی در کل مغز شان تقسیم شده و بتوانند در آن واحد به چند کار پردازند. اما وقتی مردی مشغول انجام دادن کاری می شود، سلول های عصبی نقاط ویژه ای که مربوط به کارش است، تحریک می شود. این موضوع یعنی این که مرد برای انجام یک کار (در یک زمان) ساخته شده است. پس عجیب نیست که هنگام روزنامه خواندن یا تلویزیون نگاه کردن، توانایی شنیدن صدای همسر خود را نداشته باشد.

منبع اصلی تفاوت زن و مرد در هیجانات، تفاوت های فیزیولوژیکی آنهاست. اکثرا مردان، هیجاناتی مثل خشم و ناامیدی را بیشتر از هیجاناتی مانند افسردگی، تجربه و ابراز می کنند. شدت هیجان ها در زنان باعث می شود که آنها سریع تر بتوانند تغییرات احساسی و هیجانی خودشان و دیگران را حس نمایند و آسان تر افکار و احساسات خود را با دیگران سازگار کنند. همچنین مردان هیجان های خود را برای افراد معدودتری و با شدت کمتری



ابراز می کنند. بر اساس ساختار ذهنی، خانم ها سریع تر به احساسات پاسخ می دهند. آن ها می توانند غم، ترس، عصبانیت و بسیاری از احساسات دیگر را از چهره شوهرشان بفهمند و متأسفانه همین انتظار را نیز از شوهرشان دارند. به همین دلیل زمانی که از او ناراحت هستند، چیزی را ابراز نمی کنند و بعدها با گله مندی می گویند: «او باید از چهره ام می فهمید». عدم اطلاع از تفاوت های ذهنی مردان و زنان، سرچشمه خیلی از اختلافات در زندگی است. مرد به خوبی زن نمی تواند از چهره، تشخیص دهد چه چیزی در درون همسرش می گذرد. اگر زن چنین توقعی داشته باشد، این خود باعث ایجاد توقعات بالا در زندگی می شود. می تواند برچسب های مختلفی را متوجه مرد کند.

۱-۲- تفاوت ها در عشق ورزی

عشق، از عشقه گرفته شده است و آن گیاهی بدون ریشه است به نام لبلاب، چون بر درختی پیچد آن را بخشکاند. عشق صوری درخت جسم صاحبش را، خشک و زرد می کند، اما عشق معنوی بیخ درخت هستی عاشق را خشک سازد و او را از خود بمیراند. عشق را در لغت افراط در دوست داشتن و محبت تام معنی کرده اند. (نوریخس جواد، ۱۳۸۴) تفاوت عاشقی بین مردان و زنان، از جنبه ها و ابعاد مختلف می تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. تفاوت عاشقی بین مردان و زنان، در ایجاد یک رابطه صمیمی و عاشقانه میان آنها بسیار تاثیرگذار و مؤثر می باشد. همانطور که زن و مرد از نظر ویژگی های فیزیولوژیکی، جسمی و روحی از تفاوت های مشهودی برخوردار می باشند، در مقوله عشق و عاشقی نیز فرقی های زیادی با یکدیگر دارند. تفاوت عاشقی بین مردان و زنان، از تفاوت در نوع نگاه آنها نسبت به زندگی ناشی می شود. به طور کلی، عشق یکی از مهم ترین و در عین حال پیچیده ترین موضوعات در ابعاد زندگی انسان ها به شمار می رود. بر همین اساس، سیر تحول و شکل گیری این مسئله نیز در زنان و مردان با تفاوت هایی همراه می باشد. آغاز و شروع زندگی زناشویی در مردان با بروز عشق و احساسات شدید همراه است، در حالی که زنان در طول زندگی محافظت بیشتری از عشق به عمل می آورند. تفاوت در عاشق شدن و عشق ورزیدن بین زنان و مردان، به تفاوت در نوع نگاه آنها به زندگی بر می گردد. معمولاً زن ها مرد را به عنوان تکیه گاه خود تصور می کنند. اما، مردان عاشق دلشان می خواهد خود را در نقش قهرمان و حامی تصور کنند. تحقیقات نشان داده یکی از جنبه های عشق در زنان، نیاز به مراقبت شدن توسط مرد است. این تفاوت ها در بعد ابراز عشق هم به میزان قابل توجهی تفاوت دارد. به همین علت، ابراز عشق و احساسات در زنان معمولاً با احساسات منفی تری مثل نگرانی، حسادت، گریه کردن و دلهره و در مردان احساس قدرت و تسلط همراه است. زن باید در زندگی مشترک به این نکته توجه داشته باشد که همسر او، نیاز دارد که به عنوان قهرمان زندگی دیده شود. اینکه کاری کنند که مرد احساس کند تکیه گاه همسرش است، احساسی شگرف به او داده و باعث افزایش حس اعتماد به نفس اش می شود.

دنیای مردان برخلاف دنیای زنان که پر از احساسات است، استدلالی می باشد و اگر آنها بخواهند بین عشق و احترام یکی را انتخاب کنند، احترام را انتخاب می کنند و ترجیح می دهند تنها باشند تا این که به آنها بی احترامی شود. در زندگی مشترک، زنان باید همواره احترام متقابل را رعایت کنند. هیچ مردی نمی تواند بی احترامی را بپذیرد. این بی احترامی حتی از سمت همسرشان نیز قابل پذیرش نیست. می توان گفت یکی از عوامل مهمی که تبر به ریشه عشق مرد می زند، شکستن حرمت اوست. عدم آگاهی از این موضوع در آینده می تواند درگیری و اختلاف نظرهای را میان زوجین ایجاد سازد. تعداد زیادی از زوجها مدعی هستند که علاقه خاصی به همسر خود نداشته و آنطور که باید و شاید به شریک زندگی خود عشق نمی ورزند. این امر از تفاوت عاشقی بین مردان و زنان نشأت می گیرد، چرا که بسیاری زوجها انتظار دارند که همسرشان به مانند آنان عشق و احساس خود را به آنها عرضه کند. عدم آگاهی از متفاوت بودن شیوه عشق و عاشقی طرف مقابل، در ایجاد بسیاری از اختلاف ها و مشکلات ریشه دارد.

۱-۲- تفاوت های گفتاری-کلامی

قدرت زن ها در مهارت های کلامی یکی از شاخص ترین تفاوت های جنسیتی بین زنان و مردان است. برتری توانایی کلامی زنان از نظر مغزی و روانی از دوران کودکی آغاز می شود. تفاوت های کلامی در زن و مرد از لحاظ کیفیت بررسی شده است. گنجینه واژگان خانم ها بیشتر از آقایان است و در مقابل مرد ها از کلمات سخت تری در گفتار استفاده می کنند. درک رفتار کلامی دیگران نیز در خانم ها بالاتر است از طرفی بار معنایی لغات برای زنان کمتر از مردان است و کلمات را بیشتر برای ابراز احساسات خود به کار می برند. زنان نسبت به واژه ها و صداها حساس ترند و به طور نرمال در یادگیری زبان توانایی بیشتری دارند و از این رو، مردان در ابراز کلامی احساسات ناتوان و نابلدند. زنان در مکالماتشان نسبت به مردان از واژه های گرم تر و متعادل تری استفاده می کنند، از طرف دیگر متأسفانه مردان بیشتر از دشنام و واژه های بیان کننده خشم بهره می برند. زنان مردان استدلالی هست بنابراین ما با درک نیازها، طبیعت و خواسته های قلبی یکدیگر می توانیم فاصله عاطفی را کاهش دهیم، چرا که زن و مرد برای برآورده کردن نیازهای عمیق و ضروری نیازمند توجهات و رفتارهای خاص هم هستند. اگر یک زن با این موضوع آشنا نباشد تصور می کند همسر او در بیان جملات عاطفی ناتوان است و این را یک ضعف به شمار می آورد. همچنین ممکن است تصور کند این یک نقص در همسر اوست که زبان عشق را نمی داند. اما چنین



نیست و این به تفاوت در خلقت مرد و زن بر می‌گردد. گرچه مرد نیز باید تلاش کند مهارت‌های گفتاری خویش را تقویت کند و احساسات خود را نسبت به همسرش بیان کند.

بهتر است بدانید دختر اول دبستان به اندازه پسر دوم دبستان دارای خزانه لغات است. به همین علت خانم‌ها در گفتن اخبار موفق‌ترند و در سخنرانی کمتر اشتباه می‌کنند و نیز به همین علت، جمله‌های طولانی‌تر، عبارت‌های مفصل‌تر و مدت زمان بیشتری را برای گفت و گو به کار می‌برند؛ اما آقایان کمتر و خلاصه‌تر حرف می‌زنند. هنگامی که دو خانم از شخصی برنجند، ساعت‌ها درباره او به گفت و گو می‌نشینند؛ اما آقایان با یادآوری ساده از کنار ماجرا می‌گذرند و کدورت کمی در ذهنشان نگه می‌دارند، به سادگی، ارتباطشان را با فرد مورد نظر قطع می‌کنند و درباره او با کسی درد دل نمی‌کنند. خانم‌ها دوست دارند همسرشان با آنها درد و دل کند. دوست دارند از آنچه در درون قلب همسرشان می‌گذرد باخبر شوند. اما آقایان بر اساس فطرت و خلقت خود، تمایل به بیان ندارند. خلاصه گویی و کم گویی آقایان ممکن است باعث شود خانم فکر کند همسرش تمایلی برای حرف زدن با او ندارد. توجه به تفاوتی که در خلقت مرد وجود دارد، باعث می‌شود در چنین مواردی اختلاف پیش نیاید و کم حرفی مرد بخشی از وجودش در نظر گرفته شود.

از ویژگی‌های کلامی خانم‌ها این است که در ضمن روانی سخن، سخنشان را در لفافه می‌پیچند؛ برای مثال وقتی خانمی می‌خواهد بگوید: از فلان کار خوشم نمی‌آید، می‌گوید: فکر نمی‌کنی بهتر باشد از ادامه این کار صرف نظر کنی؟ خانم‌ها هنگام سخن گفتن نیازهایشان را غیرمستقیم مطرح می‌کنند؛ به طور مثال، وقتی خانمی می‌گوید: تو هیچ وقت به من توجه نمی‌کنی؛ یعنی من الآن به توجه تو نیاز دارم یا وقتی می‌گوید: تو هیچگاه برای من هدیه نمی‌خوری، به این معناست که الآن هدیه بخر؛ اما آقایان این گونه نیستند و با صراحت سخن می‌گویند و عبارت‌های تحکم آمیز را به کار می‌برند؛ مانند این کار را انجام بده یا این کار را انجام نده. زنان از زبان و کلام برای گسترش روابط دوستی دوجانبه به ویژه با زنان دیگر استفاده می‌کنند و شنوندگان خوبی هستند؛ اما مردان از زبان و صحبت کردن برای نشان دادن مهارت، مقام و رتبه خود بهره می‌برند. خانم‌ها در محل کار، در صحبت‌ها از کلمه «ما» استفاده می‌کنند تا بیشتر حالت مشارکت و همکاری را میان خودشان نشان بدهند؛ اما آقایان واژه‌های من یا مال من را به کار می‌برند تا استقلال و قدرتشان را به رخ دیگران بکشند. بار معنایی واژگان برای زنان زیاد مهم نیست و بدان توجه نمی‌کنند؛ بلکه آنها را برای ابراز احساسات خود به کار می‌برند. زن وقتی ناراحت است، به شوهرش می‌گوید: تو خیلی ظالمی. یک لحظه از تو روی خوش ندیدم. یک بار مرا خوشحال نکردی و... اما خودش هم می‌داند که این سخنان واقعیت ندارد. زنان باید حداقل مکان از این الفاظی که با عبارات هر، هیچ، همیشه شروع می‌شوند دوری کنند چرا که بدترین نوع ابراز ناراحتیست. در آن سمت هم مردان باید با مطالعه تفاوت‌های کلامی دوجنس، آگاه شوند که بیان چنین الفاظی لزوماً به این معنا نیست که تاکنون هیچوقت کار مثبتی انجام نداده اند. همچنین باید بدانند که زبان زنان غیرمستقیم است و همیشه به جای توجه به ظواهر کلمات، به مفهوم زیرین آنها توجه کنند.

حالات چهره زنان در مقایسه با مردان، فراوان‌تر است. زنان بیشتر لبخند می‌زنند، ژست می‌گیرند و تماس چشمی افزون‌تری برقرار می‌کنند. زنان وقتی با بچه‌ها حرف می‌زنند، از دست‌ها و بدن خود بیشتر استفاده می‌کنند و چون زبان بدن در آنها قوی است، زبان بدن دیگران را هم بهتر از مردان درک می‌کنند. از این رو، وقتی پدری می‌خواهد پسر خود را توبیخ کند، بیشتر جمله‌های تهدیدکننده را به کار می‌برد؛ ولی در تربیت دخترش از نگاه‌های معنادار استفاده می‌کند تا تأثیر بیشتری داشته باشد.

خداوند این ویژگی را در زنان تقویت کرده تا بتواند نیازهای نوزاد خود را متوجه شود که توان صحبت کردن ندارد. با توجه به اینکه زبان بدن در مردان قوی نیست، خانم شما نباید انتظار داشته باشد که مشکل او را از چهره اش تشخیص دهید و مهم‌تر از آن، اگر خواسته ای دارد، نباید از زبان اشاره استفاده کند؛ بلکه باید به روشنی با شما در میان بگذارد.

برخی زنان به این تفاوت توجه ندارند و همسرشان را به این سبب سرزنش می‌کنند که سرنخ‌های غیر کلامی را متوجه نمی‌شوند و این رفتار پسندیده نیست. خانم‌ها باید بدانند که خودشان در فهم و رمزگشایی ارتباطات غیر کلامی شوهر، مهارت بسیاری دارند و کوچک‌ترین و ظریف‌ترین حالت‌ها و تن و آهنگ صدا و چهره او را زیر نظر می‌گیرند؛ اما برای مرد، کشف رمز کردن ابزارهای غیر کلامی، به ویژه ابزارهای چهره زن دشوار است. اگر زن به شوهرش بگوید که روز بدی را پشت سر گذاشته است و به همدردی نیاز دارد، تأثیرش بیشتر از نمایش دادن تلخی در چهره است.

۲-۱- تفاوت‌های اجتماعی

راز تفاوت بین زن و مرد در استعدادها و قوای مختلف، آن است که انسان موجودی طبیعتاً اجتماعی است و نمی‌تواند امور خود را به تنهایی انجام دهد و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است. خداوند به واسطه این تفاوت‌ها، زمینه ایجاد پیوند را برقرار کرده است. لذا در تفکر اسلامی، ارتقای هر یک از اعضای خانواده و اجتماع، تا حدود زیادی در گرو ارتقای اعضای دیگر است. از این رو، افراد یک جامعه از جمله مرد و زن، کمال



خود را در کمال سایر افراد می‌دانند. این حس نیاز متقابل، موجب ایجاد پیوند متقابل در قالب احساس نیاز به مکمل می‌شود که در گرو رفع نواقص خویش در تعامل با فرد دیگر است.

زنان به ارتباط اجتماعی اهمیت فوق العاده ای می‌دهند. آنان با دور هم جمع شدن و صحبت کردن بسیاری از فشارها و ناراحتی‌های خود را تخلیه می‌کنند. تمایل زنان به حرف زدن بیشتر از مردان است. همین موضوع گاهی باعث اختلاف میان زوجین می‌شود؛ زمانی که زن مایل است راجع به اتفاقات روزانه با شوهرش صحبت کند و همسر تمایل چندانی نسبت به این موضوع احساس نمی‌کند. در این حالت ممکن است زن تصور کند که شوهرش فرد سرد و بی تفاوت و غیر اجتماعی است و ممکن است شوهر از این همه تمایل همسر به صحبت احساس کند که وی فرد پرحرفی است که به کار زائدی می‌پردازد.

مردان نسبت به مسائل و موضوعات مختلف به خصوص مسائل ارتباطی و اجتماعی دید کل گرایانه ای دارند و وارد بعضی نکات ظریف و جزئیات نمی‌شوند. این درحالی است که زنان به اعماق و جزئیات ارتباطات توجه زیادی دارند. این دقت باعث می‌شود که به جزئیاتی توجه کنند که معمولاً مردان مورد غفلت و بی توجهی قرار می‌دهند. نا آگاهی زوجین نسبت به چنین تفاوت‌هایی باعث می‌شود که زن تصور کند مرد نسبت به بسیاری از مسائل بی توجه است و مرد تصور کند که همسرش فردی حساس است و ذهن خود را برای مسائل جزئی و بی اهمیت مشغول می‌سازد.

۳-۱- تفاوت‌ها در امور خانه و خانواده

در گذشته مردم بر این باور بوده اند که وظیفه مرد تنها کار در بیرون از خانه است و مردسالاری باعث شده تا قدرت مردان در خانواده بیشتر باشد و تمام مسئولیت کارهای خانه بر دوش زنان باشد. فرزندی که در چنین خانواده‌هایی بزرگ شده اند قطعاً همین عقاید و طرز فکر را دارند. آنها بر این باور هستند که وظیفه مرد کار در بیرون از خانه و وظیفه زن کار در داخل خانه است. با یک فرهنگ سازی صحیح می‌توان این رویه را تغییر و وظایف را در خانه هم تقسیم بندی کرد. برخی مردان تمایلی به انجام کارهای خانه ندارند چون بر این باور هستند که مهارت کافی برای انجام این کار را ندارند. خرابکاری در برخی کارها باعث شده تا آنها انگیزه خود را برای ادامه دادن از دست بدهند. وقتی وظایف زن و مرد به درستی مشخص نشده باشد مرد نمی‌داند که دقیقاً در منزل چه کارهایی را می‌تواند انجام دهد. اما وقتی وظایف زن و مرد در خانه به درستی مشخص نشود هیچ کس نمی‌داند در حال حاضر چه کاری را باید انجام دهد. زوجی که با عشق زندگی مشترک خود را شروع می‌کنند هیچ ابایی از همکاری ندارند به طوری که مرد در کارهای داخل خانه و زن در کارهای بیرون با مرد همکاری می‌کند. با همکاری بیشتر زوجین می‌توانند سریع‌تر زندگی خود را بسازند. زن و مرد باید در تمام زمینه‌های زندگی با هم مشارکت و همکاری داشته باشند. کمک کردن به زن در کارهای خانه نشانه ضعف مرد نیست. مرد باید به این باور برسد که همکاری در کارهای خانه باعث می‌شود که حس داشتن یک زندگی مشترک قوی‌تر شود. با همکاری زن و مرد در کارهای خانه میزان صمیمیت آنها بیشتر شده و در کنار آن رضایت مندی آنها از زندگی هم افزایش پیدا می‌کند.

شکی نیست که تقریباً در تمام فرهنگ‌ها مرد به عنوان قدرت اول خانواده شناخته شده است. مردها می‌خواهند هسته و ستون اصلی خانواده باشند و در خانواده‌هایی که زن بدون نظرخواهی و مشورت همسرش درباره مسائل و امور خانوادگی تصمیم می‌گیرد، معمولاً مشکلات زیادی مشاهده می‌شود که سرکوب شدن اعتماد به نفس مرد را می‌توان یکی از این ناراحتی‌ها دانست. البته این که مرد، قدرت اول خانواده باشد بدان معنا نیست که مرد، در یک نقش دیکتاتوری ظاهر شود بلکه منظور از این مسئله مدیریتی است که باید بر عهده مرد قرار بگیرد.

۲- عدم وجود سیستم آموزشی مناسب برای تبیین تفاوت‌های زن و مرد

در نظام آموزش و پرورش، نسبت به تفاوت‌های زن و مرد، حساسیتی ندارد و برای هر دو جنس، از محتوا و روش آموزشی یکسان بهره می‌گیرد. نتیجه این عدم حساسیت این است که مردان برای انجام مسئولیت‌های خود در سرپرستی خانواده، هیچ آموزش و مهارتی را فرا نمی‌گیرند و زنان نیز نمی‌آموزند که چگونه می‌توانند نقش مادری و همسری را به درستی ایفا کنند. «برای اولین بار در تاریخ بشریت، پسران و دختران به این روش بزرگ می‌شوند که به آنان می‌آموزیم که هر دو برابرند و از توانایی‌های برابر برخوردارند. وقتی بزرگ شدند، ازدواج می‌کنند و یک روز از خواب بلند می‌شوند و متوجه می‌شوند که مثل روز و شب با هم فرق دارند. تعجبی ندارد که جوانان این قدر در روابط و ازدواجشان مشکل دارند». (پیس، آلن و باربارا، ۱۳۸۲) آنها اصولاً نمی‌توانند هضم کنند که در خانواده، سلسله مراتب طولی برقرار بوده و جایگاه پدر، مادر و فرزندان متفاوت و هر یک از آنان، نقش ویژه و متمایزی بر عهده دارد. حاصل آن چیزی جز افزایش خصومت‌های خانوادگی، طلاق و از هم پاشیدگی خانواده نخواهد بود. پدر از زیر بار مسئولیت خویش شانه خالی کرده و مادر، اشتغال تمام وقت خویش را نسبت به تربیت فرزند در اولویت قرار می‌دهد. یکی از تلاش‌های جدی فمینیست‌ها در مبارزه با تفاوت‌های طبیعی، همین مساله بوده است. سیمون دوبووار که یکی از تاثیرگذارترین افراد بر جریان فمینیسم بوده



است می‌گوید: «به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. اگر به هر زنی حق انتخاب در خانه ماندن و پرورش کودکان خود و یا شاغل بودن در بیرون را بدهند، اغلب زنان ترجیح می‌دهند تا در خانه بمانند». (بورک، رابرت ۱۳۸۵) فرزندان نیز حاضر به اطاعت از پدر و مادر نبوده و به بهانه استقلال طلبی، هرگونه نظارت و کنترل پدر و مادر بر رفتار خویش را بر نمی‌تابند.

بر اساس تجربیاتی که نگارنده براساس سال‌ها تدریس داشته است، به دلیل برخی ملاحظات، در مدارس، هیچ آموزشی برای آگاهی از صفات و ویژگی‌های جنس مرد و زن برگزار نمی‌شود. این تفاوت‌ها، براساس آنچه که دانش آموزان در خانواده می‌بینند فراگرفته می‌شود. این ضعف استمرار می‌یابد و تا دانشگاه ادامه دارد. آنقدر دیر به آن پرداخته می‌شود که دیگر اثر مفید خود را از دست می‌دهد. یکی از ساده‌ترین مثال‌ها در این زمینه، عادات ماهانه خانم هاست. در طی دوران قاعدگی بسیاری از زنان دردهای شکمی شدیدی را تجربه می‌کنند که ناشی از انقباض عضلات رحم و عضلات شکمی اطراف رحم برای بیرون راندن مایع قاعدگی است. بعضی از زنان اختلالات روانی را طی قاعدگی تجربه می‌کنند. این اختلالات از تحریک‌پذیری تا خستگی یا گریه کردن متغیر است. نام این تغییرات روحی-روانی، سندرم پیش از قاعدگی است. علائم تشدید شده پیش از قاعدگی ممکن است ناشی از اختلال ملال پیش از قاعدگی باشد که نیاز به درمان دارد. این اختلالات عبارتند از اضطراب یا افسردگی. وقتی مردی با این دست از تفاوت‌های جسمی آشنا نباشد، نمی‌تواند برخورد سالمی با همسرش در این شرایط داشته باشد. اگر مثال‌ها را بیان کنیم خود یک کتاب خواهد شد. عدم توجه به تدریس تفاوت‌های مرد و زن، منجر به چیزی شده که اکنون می‌بینید و آن افزایش بی سابقه طلاق است.

نتیجه

باید توجه داشت که بسیاری از مشکلات موجود جامعه بشری، مولود انحطاط خانواده است و یکی از عوامل مهم تضعیف خانواده، بی توجهی به تفاوت‌ها و کنار گذاشتن نقش‌هایی است که هر یک از اعضای خانواده می‌بایست متناسب با ویژگی‌ها و استعدادها خود انجام دهند. در واقع، اقتضای بی توجهی به استعدادها و تمایزات آن است که طرح ریزی حکیمانه خالق هستی برای سعادت بشری مورد بی توجهی قرار گرفته و با از میان رفتن احساس نقص و کمبود در هر یک از دو جنس، جذابیت آنان برای یکدیگر کاهش یابد. لاراشلسینگر در کتاب قدرت زن می‌نویسد: «زنان و مردان از لحاظ بنیادی با هم متفاوتند. این تفاوت‌ها را ما بوجود نیاورده‌ایم که خودمان هم بتوانیم آن را از بین ببریم... به جای اینکه زنان و مردان این تفاوت‌ها را تهدید و توهینی به خود تلقی نمایند و از آن گلایه داشته باشند، بهتر است به این بیاندیشند که همین تفاوت‌ها موجب می‌شود که زن و مرد، مکمل یکدیگر باشند.» (شلسینگر، لارا، ۱۳۸۶) در میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد که شناسایی آنها در نقش و کارکرد هر یک تأثیر می‌گذارد. گاهی ممکن است یک ویژگی برای یکی مثبت و برای دیگری منفی باشد. ابعاد مختلف این تفاوت‌ها را می‌توان در زمینه مسائل فیزیکی، عاطفی، جنسی، طبیعی و فکری مطالعه کرد و تفاوت‌ها را شناسایی نمود.

آشنایی با تفاوت‌ها برای سازگاری، نشاط، سلامت و آرامش در زندگی بشری کارکردهایی دارد. این کارکردها را می‌توان در عشق و محبت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، فضای صمیمی حاکم بر زندگی زناشویی، قضاوت عادلانه افراد نسبت به خود و دیگران، تعادل در رفتار، شادی و نشاط جست وجو کرد. حاصل این آشنایی، درک متقابل میان اعضای خانواده، انتظارات به جا و واقع بینانه، بهره مندی از آزادی قانونمند و حرکت تکاملی خانواده به سمت مقصدی اعلاست که برای همه اعضای خانواده قابل وصول است. مساله تفاوت‌های زن و مرد یکی از مهم‌ترین مسائل در تنظیم روابط اجتماعی و به ویژه خانواده است که اندیشمندان فراوانی بر ضرورت توجه به این تفاوت‌ها تأکید کرده‌اند.

حال که پذیرفته شد وجود تفاوت‌ها امری مسجل و حتمی است و آموزه‌های دینی نیز نسبت به تفاوت‌ها حساس می‌باشند، توجه به این نکته ضروری است که تفاوت‌ها می‌بایست در شئون مختلف حیات فردی و اجتماعی مدنظر افراد جامعه و نیز تصمیم گیران و تصمیم سازان اجتماعی قرار گیرد. برای تحقق این امر، ابتدا می‌بایست فراتر از لقلقه‌های زبانی، خداوند را در جایگاه بایسته و شایسته خویش قرار داده و به حکیمانه و احسن بودن نظام خلقت ایمان بیاوریم. سپس تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را شناخته و به جستجوی انتظارات و اغراض الهی از قرار دادن این تفاوت‌ها برویم. پس از شناخت اهداف و ارزش‌های هر یک از این ویژگی‌ها و استعدادها، وظایف و نقش‌هایی که شریعت متناسب با این تمایزات تکوینی، بر عهده هر یک از زن و مرد قرار داده است را از آموزه‌های دینی استخراج کنیم. در گام بعدی، هر یک از زن و مرد، ضمن احترام به نقش‌های جنس مقابل، وجهه همت خویش را بر روی انجام وظایف و نقش‌های خویش گذارده و انجام آنها را در راستای کمال معنوی و عمل به طرح ریزی حکیمانه الهی برای سعادت دنیا و آخرت خویش بدانند.

جامعه و حکومت نیز می‌بایست در برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها، خصوصاً در نظام آموزشی، توجه به تفاوت‌ها و مهیا کردن هر یک از دو جنس برای انجام نقش‌ها و مسئولیت‌های خویش را در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد. اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان و اصلاح سیستم‌ها حمایتی نظام از زن و خانواده، از دیگر الزامات و بایسته‌های حکومت است. در پایان توجه به این آیه قرآن خالی از لطف نیست. «از آیات خداوندی



است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید، که در کنار او آرامش یابید، و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد، که در این حقیقت نشانه‌هایی از خداست برای مردمی که در گردونه اندیشه و فکر نسبت به حقایق به سر می‌برند!» (قرآن کریم، سوره روم، ۲۱)

منابع

- الهی‌قمشه‌ای، مهدی، (۱۳۸۰) قرآن کریم، نشر دارالثقلین
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶) نظام حقوق زن در اسلام، تهران: نشر صدرا، جلد اول، ص ۲۰۲
- کویلیام، سوزان، (۱۳۷۸)، در پناه یکدیگر، صالحی، فرشته، نشر نواندیش، چاپ اول، ص ۲۰۱.
- پیره، روژه، (۱۳۷۷) روانشناسی اختلافی زن و مرد، سروری، محمدحسین، چاپ چهارم، ص ۱۰۴.
- اچ بورک، رابرت، (۱۳۸۵)، در سراسیمه به سوی گومورا: لیبرالیسم مدرن و افول آمریکا، هاشمی، الهه، نشر حکمت، چاپ چهارم
- رحمتی، محمدصادق، (۱۳۷۱)، روانشناسی اجتماعی معاصر، نشر سینا، چاپ اول، ص ۱۹۰.
- پارسا، محمد (۱۳۸۸) عاشقانه‌های ادبیات پارسی، تهران: نشر گستان نو، چاپ دوم، ص ۳
- نوربخش، جواد، (۱۳۸۴)، در خرابات، تهران: انتشارات بلدقلم، چاپ چهارم، ص ۳۳
- زیبایی نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی، (۱۳۸۵) درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، چاپ سوم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۳۷
- سلسینگر، لارا، (۱۳۸۶)، قدرت زن، آژیری، دنیس، تهران: نشر ثالث، چاپ اول
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، جستاری در هستی‌شناسی زن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم، قم.
- آملی، جواد، (۱۳۸۴)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء، چاپ دهم، قم.
- پیس، آلن و باربارا، (۱۳۸۲)، چرا مردان به حرف زنان گوش نمی‌دهند و چرا زنان زیاد حرف می‌زنند و بد پارک می‌کنند، جده دوست، محسن، محمودی، آذر، تهران: نشر فصل سبز.

پیوست



